

درون‌مایه‌های هویت ملی در «فارسی بخوانیم»

واژگان کلیدی

- * هویت ملی
- * فارسی بخوانیم
- * درون‌مایه
- * زبان و ادبیات

اقبال تسلیمی* <mailto:taslimy1962@gmail.com>

کارشناس ارشد آموزش زبان فارسی

چکیده

بسیاری از ایرانیان از گذشته‌های دور در هویت ملی خود پافشاری کرده‌اند. آنان از زمان پیش از اسلام تا پس از آن به فرهنگ و زبان ایرانی علاقه‌مند بوده و در دفاع از این هویت، در برابر بیگانگان مقاومت‌هایی نشان داده‌اند. امروزه نیز بسیاری از نویسندگان به هویت ملی توجه دارند، اما تدوین‌گران و مؤلفان کتاب‌های درسی علاقه‌ی چندانی بدان نشان نداده‌اند. هویت ملی شامل هرگونه گرایش به زبان، فرهنگ، میهن، مشاهیر وطنی، اسطوره‌ها و مذاهب باستانی و حتی مذاهب بیگانه که با سنت‌های وطنی درآمیخته است، می‌گردد. از نتایج مقاله آن است که در کتب درسی اشاره‌هایی کوتاه به این گرایش‌ها شده است، نمونه‌ی آن کتاب فارسی پنجم ابتدایی است که ۷/۵٪ به این مفاهیم پرداخته است.

این مقاله به بررسی درون‌مایه‌های هویت ایرانی در کتاب «فارسی بخوانیم» پنجم دبستان می‌پردازد و مشخص می‌سازد که چه اندازه از درون‌مایه‌های این درس‌ها در سمت‌وسوی ادبیات هویت ملی است.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۱۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۱

مقدمه

هویت^(۱) ایرانی شامل ویژگی‌های تاریخی، اساطیری، دینی، فرهنگی، زبانی، ادبی و جغرافیایی است که آن را از دیگران جدا می‌کند. اساساً هویت در برابر دیگران شکل می‌گیرد و تفاوت و تمایز در برابر آنها هویت ملی را نشان می‌دهد. درست است که ما هم‌اکنون در «دهکده‌ی جهانی»^(۲) به سر می‌بریم، اما نمی‌توانیم هویت‌های ملی را نادیده بگیریم. هویت‌های ملی یک سرزمین می‌تواند در کنار دیگری به‌گونه‌ی مسالمت‌آمیزی تداوم داشته باشد. این هویت‌ها را باید در روزگار کودکی و نوجوانی شناسایی کرد. مؤلفان کتاب‌های درسی توجه شایانی به این امر نکرده‌اند. آنها باید علاقه‌ی بیشتری به شناساندن فرهنگ ملی آن هم در یک کتاب ادبی داشته باشند. البته در سالهای اخیر توجه مسئولان فرهنگی کشور به این امر بیشتر شده تا جایی که برخی از فصل‌های کتاب‌های فارسی با عنوان «ملی و میهنی» آغاز شده است، اما این اندازه کافی نیست، ملی‌تر شدن درون‌مایه‌ها^(۳) نیز ضروری است. مقاله‌ی حاضر به بررسی میزان درون‌مایه‌های هویت ملی در کتاب فارسی بخوانیم پنجم دبستان (۱۳۹۲) می‌پردازد. روش پژوهش در این اثر توصیف و تحلیل کاربردی درون‌مایه‌هاست. بنابراین جامعه‌ی آماری مقاله به درس‌هایی باز می‌گردد که درون‌مایه‌های هویت ملی باشد، اگرچه به برخی از موضوع‌های هویت نیز اشاره‌هایی دارد. در این راستا ده درس از کتاب‌های یاد شده، بررسی می‌شوند اما تکیه‌ی اساسی مقاله سه درس است که به‌طور جدی درون‌مایه‌ی پیش‌گفته در آن به چشم می‌خورد. هدف مقاله شناسایی این درون‌مایه‌ها برای دگرگونی اساسی در کتاب‌های درسی به‌ویژه ادبی است.

پیشینه‌ی پژوهش

پژوهش‌های فراوانی درباره هویت ایرانی به عمل آمده است، اما درباره کتاب‌های درسی آنچه شایان یادآوری است، ارائه می‌شود: صالحی عمران و شکیباییان در «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره آموزش ابتدایی» به ارزش‌های هویت ملی، مذهبی، انقلابی و موارد دیگر رو کرده و از کم توجهی‌های مؤلفان در این زمینه‌ها انتقاد نموده‌اند. منصور و فریدونی در مقاله «تبلور هویت ملی در کتب درسی (بررسی محتوایی کتاب فارسی دوره ابتدایی)» به مؤلفه‌های هویت ملی و ایرانی چون فرهنگ، وطن، مشاهیر، اساطیر، ادبیات، آثار تاریخی، تاریخ و سیاست، هنر و معماری و فرهنگ اقوام ایرانی پرداخته و به همان کم‌توجهی‌ها اشاره کرده است.

اما مقاله‌ی حاضر با نگاهی دیگر یعنی با نگرش درون‌مایه‌ای به کتاب فارسی بخوانیم رو کرده و تقریباً به همان نتایجی رسیده است که دیگران از راه دیگر (بررسی واژگان، نام‌ها، موضوعات و...) رسیده‌اند.

مفاهیم مرتبط

مفاهیم مرتبط با مقاله عبارت از هویت ملی، مؤلفه‌های هویت ملی و درون‌مایه است. از مفاهیم فرعی دیگر اسطوره^(۴)، فرهنگ^(۵) و ادبیات است.

هویت ملی

هویت، تعین چیزی است در برابر دیگری. همین مفهوم در تعریف دیگران به چشم می‌خورد. برای نمونه گفته‌اند که هویت «به دو معنای ظاهراً متناقض به کار می‌رود:

۱- همسانی و یکنواختی مطلق

۲- تمایز که در برگیرنده ثبات یا تداوم در طول زمان است.

گرچه دو معنای نام برده متناقض و متضاد به نظر می‌آیند، ولی در اصل به دو جنبه اصلی و مکمل هویت معطوف هستند که در بحث از چیستی هویت بیان خواهد شد. ولی نخست لازم است از موضوعی سخن بگوییم که محل نزاع روان‌شناسان و جامعه‌شناسان علاقه مند به شناخت هویت است؛ فردی و یا اجتماعی بودن هویت» (گل محمدی، ۱۳۸۳: ۲۲۲). این صاحب‌نظران درباره هویت هم‌اندیشی ندارند و هنوز بر سر آن اختلاف نظر دارند. «بیشتر روان‌شناسان و نظریه پردازان شخصیت، هویت را در درجه نخست امری فردی و شخصی می‌دانند و معتقدند که دو معنا و جنبه‌ی اصلی هویت به ویژگی‌های شخصیتی و احساس فرد معطوف هستند. البته اکثر این دسته از نظریه پردازان، هویت اجتماعی را انکار نمی‌کنند، بلکه این دو نوع هویت را متمایز و مستقل از یکدیگر قلمداد می‌کنند. به‌هرحال از این دیدگاه، هویت عبارت است از «احساس تمایز شخصی، احساس تداوم شخصی و احساس استقلال شخصی» (همان به نقل از Jacobson, 1998: 9). درباره هویت اجتماعی آنکه بیش از همه شهرت دارد، جرج هربرت مید است. از دیدگاه وی هرکس هویت یا خویشتن^(۶) خود را از راه سامان‌دهی نگرش‌های فردی دیگران در قالب نگرش‌های سازمان‌یافته‌ی اجتماعی یا گروهی شکل می‌دهد. به بیان دیگر، تصویری که فرد از خود می‌سازد و احساسی که نسبت به خود پیدا می‌کند، بازتاب نگرشی است که دیگران نسبت به او دارند. (مک، همان، 1964: 222)

هویت ملی نیز از پسِ هویت اجتماعی نشان داده می‌شود. هویت ملی به مشخصات و ویژگی‌هایی گفته می‌شود که یک جامعه را از جامعه دیگر متمایز می‌سازد و در جامعه نوعی انسجام ایجاد می‌کند. هویت ملی مجموعه‌ای از ویژگی‌ها، وابستگی‌ها و پیوندهای جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی و حماسی است که زندگی انسانی را دربرمی‌گیرد و عضو جامعه به آن می‌بالد و افتخار می‌کند (منصوری، فریدونی، ۱۳۸۸: ۳۰). هویت ملی از مهمترین جنبه‌های هویت است که در آن تک‌تک افراد جامعه احساس تعلق و وابستگی به سرزمین خود دارند. هویت ملی زمانی می‌تواند در جامعه آشکار شود که اعضای جامعه تصورات روشنی از مؤلفه‌ها و نمادهای آن داشته باشند؛ زیرا احساس هویت از جمله نیازهای طبیعی انسان است که به خودشناسی و شناختن اصل فرد کمک می‌کند و این شناختن خود نیازمند شناختن هویت ملی به عنوان یک اصل انکارناشدنی است. (همان: ۳۰-۳۱، ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۲۹)

نخستین و قدیمی‌ترین عنصر شکل دهنده رودخانه‌ی هویت ایرانی مفهوم ایران است (رجایی، ۱۳۸۲: ۷۳) که این مقاله به طور خاص از ایران و هویت ایرانی تحقیق می‌کند.

مؤلفه‌های هویت ملی

مؤلفه‌های هویت ملی شامل زبان و فرهنگ، ادبیات، سرزمین، تاریخ، اساطیر و دین می‌گردد. «در علوم اجتماعی، زبان، دین و آداب و رسوم مشترک به عنوان مؤلفه‌های مشخص هویت ملی، در علوم سیاسی، داشتن نظام و ساختار سیاسی مشترک، جغرافیا، داشتن مرز و سرزمین مشترک و تاریخ، گذشته‌ی مشترک را به عنوان مؤلفه‌ی مشخص هویت ملی یک ملت بر شمرده‌اند.» (منصوری، فریدونی، ۱۳۸۸: ۳۱)

زبان از جمله مهمترین مؤلفه‌های هویت ملی معرفی می‌شود، چرا که اعتقاد بر این است که زبان پایه‌ی فرهنگ و تاریخ‌ساز یک ملت است (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۳۱). فرهنگ به عنوان مؤلفه‌ای مهم و بسیار تأثیرگذار، در انسجام و شکل‌گیری وحدت ملی نقش اساسی دارد (منصوری، فریدونی، ۱۳۸۸: ۳۱). ادبیات، اسطوره‌ها، افسانه‌ها و باورهای دینی و مردمی که گاه از دل فرهنگ یک ملت بر می‌خیزند، نیز هویت ملی را نشان می‌دهند. همچنین است افراد تاریخی و مشاهیر گذشته و حال یک سرزمین. این افراد چه تاریخی باشند و چه اساطیری هویت ملی را به نمایش می‌گذارند؛ به زبان دیگر نه‌تنها فردوسی، بلکه شخصیت‌های اساطیری شاهنامه نیز می‌توانند نشانه‌ی هویت ملی باشند. (نک، نامور مطلق، ۱۳۸۷: هشت و ...)

فرهنگ

تعریف فرهنگ بسیار دشوار است و در بسترهای گوناگون معانی متفاوتی پیدا می‌کند. اما می‌توان گفت که فرهنگ آنجایی آغاز می‌شود که انسان‌ها از هر آنچه که در میراث طبیعی‌شان دریافت کرده‌اند، پیشی می‌گیرند. بدین‌سان، پرورش دادن جهان طبیعی، در کشاورزی و باغبانی عنصری اصلی در فرهنگ است. از این‌رو، دو عنصر مهم یا عام فرهنگ را می‌توان توانایی انسان در برساختن و بنا کردن، و توانایی انسان‌ها در به کارگیری زبان به شمار آورد (ادگار، سجویک، ۱۳۸۷: ۳۶۵). اساساً فرهنگ یک ظرفیت است؛ ظرفیت انسان در تولید و بازتولید چیزهای مادی و غیرمادی. دست آدمی حتی در امور مادی نیز فرهنگ می‌آفریند.

انسان به عنوان حیوان دارای مشخصه‌های متعددی است که صلاحیت لازم برای داشتن فرهنگ را به او می‌بخشند. از میان این‌ها باید از مشخصه‌های زیر یاد کرد: داشتن قامت راست که وظیفه حرکت و راه رفتن را از پیش اندام‌ها^(۷) می‌گیرد، داشتن انگشت شستی در مقابل سایر انگشتان که دست را به صورت اندام گیرنده‌ی فعالی درمی‌آورد، قدرت دید ابعاد و رنگ‌ها، داشتن روحیه گروه‌جویی و شاید داشتن چند ویژگی دیگر. اما مهمترین خصوصیت او توانایی نمادسازی است (وایت، ۱۳۷۹: ۲۱). نمادسازی می‌تواند، به ترکیب اشیا، رنگ‌ها، صداها و ... بپردازد و معنای تازه‌ای را پدید آورد تا حدی که اسطوره‌سازی نام دارد.

اسطوره

اسطوره معانی فراوانی دارد. بنیادی‌ترین تعریف اسطوره آن است که روایتی است درباره‌ی موجودات فراطبیعی که با موجودات طبیعی شباهت دارد. اهمیت اسطوره در چگونگی دربرگیری و نمایاندن باورها و ارزش‌هایی است که یک گروه مشخص فرهنگی در آنها هم‌بهره است و با آنها شناخته می‌شود. از این رو اسطوره می‌تواند خاستگاه آن گروه، جایگاه آن گروه در جهان و نسبتش با دیگر گروه‌ها روشن کند و گواه یا تصویرگر ارزش‌های اخلاقی مورد احترام آن گروه باشد (ادگار، سجویک، ۱۳۸۷: ۵۰)، برای نمونه اسطوره‌هایی که ایران از خدایان تا قهرمانان در اوستا و شاهنامه دارد، با برخی از اسطوره‌های دیگر قابل مقایسه است اما با آنها تفاوت دارد.

درون‌مایه

درون‌مایه از اصطلاحات ادبی است که با موضوع نزدیکی دارد، اما تفاوت‌هایی در آنها دیده می‌شود. موضوع به جنبه‌های کلی متن نظر دارد، اما درون‌مایه به اندیشه‌های بنیادی و خاص

متن توجه می‌کند. برای نمونه، درون‌مایه‌ی «آتللو» از شکسپیر، حسادت است (Cuddon, 1977: 651)، اما موضوع آن عشق است. حسد در روابط پنهانی‌تر و بنیادی‌تر متن قرار دارد. اگر بر موضوع، محمول یا گزاره‌هایی افزوده گردد که گوشه‌های درونی و محوری اثر آشکار شود، درون‌مایه به دست می‌آید؛ عشق در «آتللو» رشک و حسد را در پی دارد. از همین روست که گفته‌اند: درون‌مایه، هماهنگ‌کننده موضوع با شخصیت و صحنه‌ی داستان است و جهت فکری و ادراکی نویسنده را نشان می‌دهد. (همان، میرصادقی، ۱۳۷۶: ۳۰۰)

داده‌ها و بررسی آنها

کتاب «فارسی بخوانیم» دارای چهل درس ادبی و فرهنگی است که از این میان حدوداً ده درس آن با هویت ملی سروکار دارد، اما درون‌مایه‌ی همه‌ی آنها هویت ملی نیست. درس «زمینی به اندازه پوست یک گاو» به اصل وطن پرستی اشاره می‌کند. اما نمی‌گوید از کدام وطن حمایت می‌کند.

در درس «کتاب‌های مرجع» تنها به نام شاهنامه و فردوسی بسنده می‌شود، اما موضوع و درون‌مایه‌ی درس به مرجع‌شناسی باز می‌گردد. درس‌های دیگر نیز که شعرهایی از فردوسی و دیگران را آورده، سخنی از هویت ملی به میان نیاورده است. درون‌مایه درس «خدمت به مردم عبادت است» هویت نیست، اما در گوشه‌ای از آن به وطن اشاره شده است. درس «داستان یک بیمارستان» درون‌مایه اش ارزش یک طبیب ایرانی است و تنها اندکی به بحث‌های هویت نزدیک می‌شود. «دو ستاره‌ی درخشان» نیز همین گونه است، اما از اهمیت دانشمندان ایرانی یاد می‌کند تا به بحث هویت نزدیک‌تر شود. دانشمند دیگری به نام برزویه وزیر انوشیروان در «درخت دانش» به چشم می‌خورد، اما وی در این داستان چندان هوشمند نیست، بلکه از یک هندی می‌آموزد که درخت دانش چیست؟ برخی از داستانهای دیگر نیز به هویت دیگران بیشتر ارجح می‌نهد و از ارزش‌های دیگران یاد می‌کند؛ فضای داستان «تو نیکی می‌کن و در دجله انداز» عربی است. درس «نگارگر» هم مرزی میان بومی و غیر بومی نمی‌کشد و در نقاشی‌ها نشانی از ایرانی بودن نیست. در درس «طوفان نوح» از تاریخ زبان فارسی سخن به میان می‌آید که مطلبی برچسبی و اضافی است و با ساختار و تنه‌ی بحث پیوندی ندارد. درس «حافظ» نیز چندان از نشانه‌های هویت ایرانی برخوردار نیست. می‌توان فردوسی را نماینده بزرگتری برای هویت ایرانی به‌شمار آورد، اما حافظ فقط جزیی از هویت ایران تصور می‌شود. فردوسی با اثر گرانقدر خود، شاهنامه که تماماً از هویت ایران دفاع می‌کند، نماد هویت ایرانی

است. اگر از فردوسی بدین گونه که از حافظ یاد گردیده سخن گفته می‌شد، هویت ملی پر رنگ‌تر می‌نمود.

درون‌مایه‌ی درس «اگر طبیعت زیبای ایران نباشد»، توصیف نقاط مختلف ایران و ارزش حفظ آنهاست و فقط می‌تواند پیوندی نسبی با مباحث هویت داشته باشد. تا اینجا رنگ هویت ملی بسیار ناچیز است.

فصل ششم کتاب که درباره موضوع‌های «ملی و میهنی» است، چهار درس بیشتر ندارد. درون‌مایه‌ی درس «بچه‌های ماندگار» نیز وطن و خاک ایران نیست. این درس شعری است درباره جانبازان و شهدا که می‌تواند برای کشورهای دیگر نیز استفاده شود. حتی عراقی‌ها هم می‌توانند، آن را برای سربازان خود بخوانند و استفاده کنند. درس «سرود ملی» نیز جنبه‌های میهن‌پرستانه‌ی چشمگیری ندارد، به ویژه که بیشتر درباره‌ی ایران معاصر است نه ایران تاریخی. بهتر می‌شد که افزون بر شهدای امروز ایران از دلاوران گذشته یا ایران کهن نیز یاد می‌گردید، یا دست کم اشاره‌ای به گذشته ایران می‌شد تا سرود ملی، «هویت» بهتری پیدا می‌کرد. می‌ماند دو درس دیگر که تنها در آنها سخن از هویت ایرانی گفته می‌شود، درون‌مایه‌ی «آریوبرزن» دلاوری یک ایرانی در دفاع از وطن است. در درس «داستان زال و سیمرغ» از اسطوره‌های ایرانی و دلاوری یک اسطوره‌ی میهنی سخن می‌گوید.

در جدول نشان داده شده است که ده درس از چهل درس کتاب به هویت ملی مربوط می‌شود که در این میان سه درس دارای درون‌مایه هویتی جدی است؛ درصد بقیه درس‌ها نمی‌تواند جدی باشد، یعنی ۲۵٪ بودن آنها نتیجه‌ای کاذب است و آنها مؤلفه‌های غیر درون‌مایه‌ای هستند.

طوفان نوح	زبان و فرهنگ و ادب ملی و مذهبی	مؤلفه‌های پراکنده و غیر درون‌مایه‌ای
سرود ملی		
طبیعت زیبای ایران	وطن	
آریوبرزن	مشاهیر ملی و مذهبی	
حافظ		
دو ستاره درخشان		
نگارگر		
درخت دانش		
شاهنامه	اساطیر	
زال و سیمرغ		
طبیعت زیبای ایران	وطن	مؤلفه‌های درون‌مایه‌ای
آریوبرزن	مشاهیر	
زال و سیمرغ	اساطیر	

جدول فراوانی و درصد موضوع‌های هویت ملی ایران

مؤلفه	پراکنده و غیر درون‌مایه	درصد	درون‌مایه های هویت	درصد
زبان و فرهنگ	۲	۵٪	۰	۰
وطن	۱	۲/۵٪	۱	۲/۵٪
مشاهیر	۶	۱۵٪	۱	۲/۵٪
اساطیر	۱	۲/۵٪	۱	۲/۵٪
جمع	۱۰	۲۵٪	۳	۷/۵٪

درس «طوفان نوح» افزون بر قصه نوح، تاریخ زبان فارسی و یکی از منابع فرهنگ ایرانی به نام تاریخ بلعمی را معرفی می‌کند (این کتاب به بررسی تاریخ، اساطیر و قصه‌های پیامبران می‌پردازد). این درس و درس «سرود ملی» در حد ضعیفی در زمره زبان و فرهنگ جای می‌گیرد اما برخی از جنبه‌های اسلامی-ایرانی نیز دارد. (نک. جدول)

درس «طبیعت زیبای ایران» با آنکه چندان فرهنگی نیست، درون‌مایه‌ای وطنی دارد و در مؤلفه‌ی وطن قرار می‌گیرد. (نک. جدول)

در میان درس‌های مربوط به مؤلفه‌ی مشاهیر، تنها آریوبرزن است که جداً از هویت ایران دفاع می‌کند و در آن شخصی کاملاً ایرانی با درون‌مایه‌ی هویتی مطرح می‌شود؛ وی به عنوان نماد دلاوری و میهن پرستی ایران معرفی شده است. اما درس‌های «حافظ»، «دو ستاره‌ی درخشان»، «نگارگر»، «درخت دانش»، «شاهنامه» که در همین مؤلفه جای می‌گیرند، دارای درون‌مایه‌ها و شخصیت‌های ضعیف هویتی هستند و دست کم از هویت ایرانی دفاعی چشمگیر نمی‌کنند.

حافظ با اینکه مانند فردوسی، نماد بارز هویت نیست، اما از شاعران ارزنده‌ای است که می‌تواند به هویت ایرانی‌اش اشاره بیشتری شود. در این درس از ایرانی بودن حافظ و هویت ایرانی او تنها به این جمله بسنده شده است که «او شیراز را دوست می‌داشت». (۱۳۹۲: ۱۷۰)

درس «دو ستاره‌ی درخشان» از خواجه نصیر طوسی و خواجه نظام الملک یاد کرده و اشاره کوچکی هم به خیام نموده است. درحالی‌که خیام بیش از آن دو که در خدمت ترکان (مغول و ...) بودند و به واسطه آنها دستی در قدرت داشتند، نماد هویت ایرانی است. به هر حال خواجه نصیر و نظام ملک دارای جنبه‌های ملی-مذهبی‌اند.

در درس «نگارگر» از محمود فرشچیان یاد می‌شود و تصاویر زیبایی نیز ارائه می‌گردد، اما از آنجا که آنها تصویر هویت ایرانی نبوده‌اند، نگارگر را نماد یک شخصیت ملی معرفی نمی‌کنند.

برزویه در «درخت دانش» یک شخصیت تاریخی و ملی است، اما داستان کتاب به عظمت‌های او اشاره‌ای ندارد، تنها یک داستان سرگرم کننده دارد.

درس «زال و سیمرغ» که در مؤلفه اساطیر قرار دارد (نک، جدول)، از داستان‌هایی است که می‌تواند درون‌مایه‌ی هویت ملی داشته باشد، اما گمان می‌رود که مؤلفان محترم ناخودآگاهانه با اسفندیار هم صدا هستند که می‌گوید: زال، پدر رستم، آن چنان آدم بی‌ارزشی است که حتی سیمرغان نمی‌توانستند او را بخورند. اسفندیار این سخن را می‌گوید تا رستم را تحقیر کند و

شاید کسانی که در تمامی شاهنامه این داستان را برگزیده اند، نامستقیم با اسفندیار علیه هویت ملی هم صدا شده اند (اگرچه با نگاهی دیگر این داستان شگفت، زیبایی های خود را دارد). اسفندیار درباره زال (دستان) به رستم می گوید:

تنش تیره بُد موی و رویش سپید

چو دیدش دل سام شد ناامید

بیامد بگسترد سیمرغ پر

ندید اندرو هیچ آیین و فر

ببردش به جایی که بودش کنام

ز دستان مر او را خورش بود کام

بینداختش پس به پیش کنام

به دیدار او کس نبذ شاد کام (فردوسی، ۱۳۷۴: ۶-۲۵۵)

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با بررسی داده‌ها روشن می‌شود که مؤلفان کتاب فارسی توجه چندانی به هویت ملی ایرانی نداشته‌اند. نتایج مقاله‌ی حاضر با روش و ادبیات درون‌مایه‌ای و خاص خود با نتایج دیگران هم‌سوست، برای نمونه مقاله «تبلور هویت ملی در کتب درسی»، مطالعه دقیق‌تری است در کتاب‌های درسی «فارسی بخوانیم» ابتدایی (۱۳۸۶) و نتیجه‌اش این است که «میزان توجه نگارندگان و برنامه‌ریزان دروس دوره ابتدایی به مقوله‌های سرزمینی و تاریخی هویت ملی ایرانیان (فرهنگ، مشاهیر، ادبیات، وطن، تاریخ، جغرافیا و هنر و میراث فرهنگی) کم بوده است و این مقدار ۷٪ کل موارد بررسی شده را تشکیل می‌دهد (منصوری، فریدونی، ۱۳۸۸: ۴۲)، مقاله‌ی حاضر نیز که از جنبه‌ی دیگر به یکی از این کتاب‌ها پرداخته، تقریباً همان نتیجه را گرفته است: ۷/۵٪ درون‌مایه‌های کتاب فارسی بخوانیم پنجم ابتدایی با هویت ملی ارتباط دارد. مؤلفان مستقیم یا نامستقیم، خواسته یا ناخواسته به هویت ملی توجهی ندارند، شاید اگر یک غیر ایرانی که علاقه‌ای به هویت ملی ایرانی ندارد، شعر و آثاری را برای درس فارسی انتخاب کند، بیشتر از این کتاب از هویت ایرانی شاهد می‌آورد یا دست‌کم آثاری را به طور اتفاقی برمی‌گزیند که خودبه‌خود همین درصد از هویت ملی ارائه شود. هنگامی که سخن از «فارسی بخوانیم» به میان می‌آید، انتظار می‌رود که هویت فارسی (ایرانی) در آن به نمایش گذاشته شود. این کتاب، شناسنامه‌ی ایرانی و فارسی ندارد. حتی نمی‌توان گفت که

شناسنامه‌ی ایران اسلامی را دارد. از آنجا که اسلام پس از ورودش به ایران جزیی از هویت ایرانی قلمداد می‌شود، سخنی از آن که به گونه‌ای با هویت ایرانی پیوند داشته باشد به میان نمی‌آید. فقط در «طوفان نوح» از بلعمی یاد می‌شود که شخصیتی ایرانی-اسلامی است. حافظ، خواجه نظام الملک، خواجه نصیر نیز شخصیت‌های ایرانی-اسلامی هستند که در چند درس از کتاب به آنها پرداخته شده است.

ناگفته نماند که داستان‌های مذهبی و سامی خودبه‌خود نماد هویت ایرانی نیستند. مثلاً داستان «نوح» با هویت ایرانی پیوندی ندارد و فقط زمانی می‌تواند با هویت ایرانی پیوند یابد که واسطه‌ای چون بلعمی در میان باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود:

- ۱- نویسندگان به هویت ملی توجه نمایند و آگاهانه به متونی مراجعه کنند که روحیه ملی را در دانش آموزان تقویت می‌نماید.
- ۲- معمولاً شخصیت‌هایی را معرفی کنند که نماینده‌ی واقعی ایران بوده و سرسپرده‌ی مغولان، یونانیان و اعراب نبوده باشند. آیا محمود غزنوی که نماینده‌ی خلافت بغداد است، نماد یک ایرانی است یا فردوسی؟ فردوسی از افتخارات ملی ایرانیان است.
- ۳- نویسندگان باید موضوعات ملی را به صورت منسجم و درون‌مایه وار ارائه کنند و از دادن اطلاعات پراکنده و بی‌نظمی در ارائه مطالب بپرهیزند.
- ۴- در کتاب‌های غیر از «فارسی بخوانیم» می‌توانیم درصد کمتری برای هویت ملی قایل شویم، اما کتاب‌های ادبیات فارسی باید درصد چشمگیری در این‌باره داشته باشند.

پی‌نوشت‌ها

1- Identity

۲- دهکده‌ی جهانی Global Village اصطلاحی است برای جهانی شدن که نخستین بار مکلوهان M. McLuhan آن را مطرح کرده است.

3- Theme

4- Myth

5- Culture

6- The Self

7- Forelimbs

منابع

- ادگار، اندرو و پیترسجویک (۱۳۸۸)، «مفاهیم کلیدی در نظریه فرهنگی»، برگردان ناصرالدین علی تقویان، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- تسلیمی، علی (۱۳۹۰)، بررسی و طبقه‌بندی افسانه‌های مردم گیلان، رشت، فرهنگ ایلیا.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶)، «هویت ایرانی و دینی در ضرب‌المثل‌های فارسی»، فصل‌نامه‌ی مطالعات ملی، دوره ۴، ش ۱، صص ۱۱۹-۱۵۱.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۲)، مشکل هویت ایرانیان امروز، تهران، نشر نی.
- صالحی عمران، ابراهیم و طنناز شکیباییان (۱۳۸۶)، «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره‌ی آموزش ابتدایی»، فصل‌نامه‌ی مطالعات ملی، س ۸، ش ۱، صص ۶۳-۸۴.
- «فارسی بخوانیم» پنجم دبستان (۱۳۹۲)، تهران، آموزش و پرورش.
- فردوسی (۱۳۷۴)، شاهنامه، براساس چاپ مسکو، تهران، دفتر نشر داد.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۳)، جهانی‌شدن فرهنگ، هویت، تهران، نشر نی.
- منصوری، علی و آریتا فریدونی (۱۳۸۸)، «تبلور هویت ملی در کتب درسی (بررسی محتوایی کتاب فارسی دوره‌ی ابتدایی)»، فصل‌نامه‌ی مطالعات ملی، سال ۱۰، ش ۲، صص ۲۷-۴۶.
- میرصادقی، جمال (۱۳۷۶)، ادبیات داستانی (قصه، داستان کوتاه، رمان)، تهران، سخن.
- نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۷)، اسطوره متن هویت ساز، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- وایت، لسلی ا. (۱۳۷۹)، تکامل فرهنگ، ترجمه‌ی فریبرز مجیدی، تهران، دشتستان.
- Cuddon J. A (1977), A Dictionary of Literary Terms, V.S.A. Doubleday and Company Inc.
- Jacobson, J. (1998), Islam in Transition, London, Routledge.
- Mead, J. (1964). On Social Psychology: Selected Papers, Chicago: University of Chicago Press.